

لوح مبارک دربارہء معنی بیت سعدی

شیرازی

حضرت بہاء اللہ

النسخة العربية الأصلية



من آثار حضرت بہاء اللہ - مائده آسمانی، جلد 1، صفحہ 57

– 60

باب سیزدهم در بیان مقصود شاعر از این بیت

"دوست نزدیکتر از من بمن است"

جمال قدم جل جلالہ میفرماید قولہ تعالیٰ: "ولکن مقصود شاعر از این بیت کہ دوست نزدیکتر از من بمن است وین عجب تر کہ من از وی دورم ترجمہ آیہ مبارکہ بودہ کہ میفرماید و نحن اقرب الیہ من جبل الوریث و فی الحقیقہ بلسان پارسی خوب ذکر نمودہ و در این حین از نحر رحمت رب العالمین شارب چہ کہ از لسان قدم ذکرش جاری شد چون حق فرمودہ کہ من بانسان نزدیکترم از رگ گردن او باو لذا میگوید با وجود آنکہ تجلی حضرت محبوب از رگ گردن من بمن نزدیکتر است مع ایقان باین مقام و اقرار باین رتبہ من از او دورم یعنی قلب کہ مقرر استواء رحمانی است و عرش تجلی ربانی از ذکر او غافل است و بذکر غیر مشغول از او محبوب و بدنیا و آلائی آن متوجہ و حق بنفسہ قرب و بعد ندارد مقدس است از این مقامات و نسبت او با کل علی حد سواء بودہ این قرب و بعد از مظاهر ظاہر این



ORIGINAL

مسلم است که قلب عرش تجلی رحمانی است چنانچه در احادیث قدسیه قبله این مقام را بیان نموده ایم لا یسعی ارضی و لا سمائی ولكن یسعی قلب عبدی المؤمن و قلب که محل ظهور ربانی و مقر تجلی رحمانی است بسا میشود که از مجلی غافل است در حین غفلت از حق بعید است و اسم بعید بر او صادق و در حین تذکر بحق نزدیک است و اسم قریب بر او جاری و دیگر ملاحظه نما که بسا میشود که انسان از خود غافل است و لکن احاطه علمیه حق لا زال محیط و اشراق تجلی شمس مجلی ظاهر و مشهود لذا حق البته اقرب بوده و خواهد بود چه که او عالم و ناظر و محیط و انسان غافل و از اسرار ما خالق فیه محبوب و هر ذی بصری بعین الیقین مشاهده مینماید که قرب و بعد بنسبتها الی الظاهر ذکر شده و میشود و آن سلطان قدم مقدس از قرب و بعد و اذکار و اسماء و صفات بوده و خواهد بود.

باری قرب بحق در این مقام توجه باو بوده و بعد غفلت از او مثلاً هر نفسیکه الیوم از رحیق اطهر ابهی نوشید باعلی ذروه قرب و وصال مرتقی و من دون آن در اسفل درک بعد و انفصال بوده اگر چه در کل احیان بذکر رحمن ناطق و باوامرش عامل باشد چنانچه الیوم ملل مختلفه که در ارضند چون از صهبای احدیه محرومند کل در تیه بعد سائر و قرب و بعد در ظهور مظاهر الهیه معلوم و مشهود هر نفسیکه بحرم ایقان توجه نمود او از اهل قرب محسوب و هر نفسیکه اعراض نمود بعید بوده و خواهد بود قرب حق بعد ندارد اگر ناس بعید نمانند اصل شجره قرب در ارض این بیان که از سماء رحمن نازل شده ثابت و فرعها احاط العالمین وقتیکه شمس اسم قریب از مشرق لقا اشراق فرمود جمیع آفاق را احاطه نموده و قرب معنوی از قرب ظاهر اقدم و اقرب است . چنانچه مشاهده میشود بسا از نفوس که با حق بوده اند و در عشی و اشراق در ظاهر مشرف و لکن حق تصدیق قرب در حق آن نفوس نفرموده چه که از قرب معنوی محروم بوده اند حق عالم و ساتر و اگر نفسی در اقصی بلاد ساکن و بحق ناظر باشد در حق او کلمه قرب نازل و لکن یا حبذا و یا طوبی از برای نفسی که بهر دو مرزوق شود فو الذی جعلنی ذلیلاً لعز العالمین و مسجوناً لعق اهل العالم که اگر نفسی یبکار از روی خلوص وجه رحمانی را زیارت نماید مقابل است با حسنات اولین و آخرین بل استغفر الله عن ذلک چه که بذکر و بیان این مقام محدود نشود بر فضل این مقام احدی مطلع نه مگر حق جل کبریائه و اگر نفسی در شطریکه عرش ظهور در آن مستقر است وارد شود در جمیع عوالم لا نهایه فیض و اجر این عمل او را مدد نماید تا چه رسد بنفسی که بلقاء فائز شود و مقصود از آنچه از سماء عنایت نازل و در کتب الهیه مذکور و مسطور لقاء الله بوده طوبی لمن فاز به و ورد شطر الذی من افقه اضاء شمس جمال رحمة ربه العلی العظیم و مس ترابه واستنشق هوائه انه فاز بخیر الذی لیس فوقه خیر و لا فضل و عنایة تالله یزورنه اهل الفردوس و یجدن منه عرف الله المقتدر المهیمن العزیز القدیر "